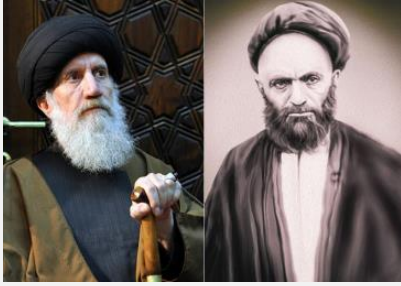


قولی که عیاشی را زاهد کرد

قاسم جگرکی سال‌ها در شهر نجف به فسق و فجور شهرت داشته است، اما یک شب به توصیه آقا سید علی قاضی عمل می‌کند...



قاسم جگرکی سال‌ها در شهر نجف به فسق و فجور شهرت داشته است، اما یک شب به توصیه آقا سید علی قاضی عمل می‌کند و از آن به بعد به یکی از زاهدین شهر معروف می‌شود. روایت خواندنی این عابد و توصیه مرحوم قاضی به او را آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا به شیوایی بیان کرده است که در ادامه می‌خوانید.

به گزارش ایکن، در کتاب «نکته‌ها از گفته‌ها» از آیت الله سیدعبدالله فاطمی نیا آمده است که: در زمان آیت الله العظمی حاج سیدعلی آقای قاضی در نجف اشرف، شخصی بود مشهور به فسق و فجور؛ در عین حال محبت و ارادتی به آیت الله قاضی داشت و هرگاه ایشان را در مسیر کوچه و خیابان می‌دید، سلام می‌کرد. مرحوم قاضی هم مرتب سفارش نماز خواندن را به او می‌کردند و او هم در جواب می‌گفت: نمی‌توانم.

مدت‌ها بدین منوال گذشت.

روزی در یکی از همین برخوردها، آقای قاضی به او که نامش قاسم بود، فرمودند: قاسم! تو که مدت‌هاست با ما آشنایی و محبت داری و هر چه می‌گویم نماز بخوان، می‌گویی نمی‌توانم! تو مرد هستی؛ حالا از تو می‌خواهم که یک بار حرف مرا گوش کنی و یک کاری که می‌گویم انجام دهی، اگر خواستی بعداً انجام نده! ولی قول مردانه بده که آن را یک بار انجام دهی.

قاسم می‌گوید: بفرمایید چیست؟ آقای قاضی می‌فرماید: امشب سحر بلند شو و نماز شب بخوان! مرد می‌گوید: اشکال ندارد؛ ولی من شب‌ها تا دیروقت به دنبال شب نشینی و عیاشی با دوستانم هستم، سحر نمی‌توانم بیدار شوم. فرمودند: یک ساعتی را نیت کن، من بیدارت می‌کنم؛ او هم ساعتی را گفت و رفت.

آن شب پس از شب نشینی با دوستانش به منزل برگشته و می‌خوابد. ناگهان در همان ساعتی که نیت کرده بود به طور غیرمنتظره از خواب بیدار می‌شود و به یاد قولی که به آقای قاضی داده بود می‌افتد. بلند می‌شود و برای وضو گرفتن به طرف حوض آب می‌رود. چشمش که به آب می‌افتد، حالش متغیر شده و نگاهی به آسمان می‌کند. به خدا عرض می‌کند: خدایا! من از تو دور افتاده‌ام. عده‌ای هستند که هر شب این ساعت‌ها به در خانه‌ی تو می‌آیند؛ تو به برکت آنها مرا ببخش و از گناهانم بگذر! به من هم توفیق بده که هر شب به در خانه‌ی تو بیایم.

قاسم وضو می‌گیرد و با حالت گریه و انقلاب خاصی نماز می‌خواند؛ کاملاً منقلب و متحول می‌شود. کارش به جایی می‌رسد که به عنوان یکی از عباد و زهاد ضرب‌المثل می‌شود، پس از آنکه سال‌ها ضرب‌المثل آلودگی و فسق و فجور بود. دائماً غرق در حالات خوش معنوی و عبادت و ذکر خدا می‌شود.

منبع: نکته‌ها از گفته‌ها، دفتر سوم، صفحه ۱۱۲ - ۱۱۳ - ۱۱۴